

## بررسی تحریم‌های بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل (مطالعه موردی تحریم‌های ایران)

علیرضا معینیان<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد گرمسار دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد مهدی رحیمی

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

اکبر عباسیان

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

رضا پیوندی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

احمد عرب عامری

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور استان سمنان، مرکز گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۰

### چکیده

تحریم یکی از ابزارهای مهم پیشبرد سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی است. یکی از کشورهای که هدف تحریم‌های ناعادلانه سازمان‌های بین‌المللی و نیز کشور آمریکا بوده است ایران است. بی‌شک یکی از مهم‌ترین جنبه‌های بررسی تحریم‌های بین‌المللی از نظر حقوق بین‌الملل است. هدف این مقاله بررسی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل است. سؤال اصلی مقاله این است که دیدگاه حقوق بین‌الملل درباره اعمال تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه علیه کشورهای ثالث چیست و در چه مواردی آن را جایز دانسته است؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای خواهد بود. نتایج مقاله نشان می‌دهد که تحریم که از گذشته یکی از ابزارهای سیاست خارجی بوده، با ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و نهادینه شدن روابط بین‌الملل، به صورت اقدامی جمعی و در راستای نیل به منافع جمعی در آمده است؛ چنان که در منشور ملل متحد پیش بینی شده است که شورای امنیت پس از احراز وضعیت تهدید یا نقض صلح یا عمل تجاوز می‌تواند چنین تصمیم‌هایی اتخاذ کند. ماده ۴۱ منشور ملل متحد این اقدامات را شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی برشمرده است؛ از این رو، با نهادینه شدن این سازوکار به عنوان یکی از ابزارهای ضمانت بخشیدن به تعهدات بین‌المللی در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد، تداوم اعمال آن از جانب دولت‌ها چه به صورت فردی یا مشترک با تردیدهای جدی مواجه شده است.

**واژگان کلیدی:** تحریم‌های بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، تحریم‌های ایران، سازمان‌های بین‌المللی.

## مقدمه

سابقه تاریخی اعمال تحریم علیه کشورها را می‌توان در قبل از تأسیس سازمان ملل متحد جستجو کرد، اما استفاده از این ابزار غیرنظامی به عنوان یکی از سازوکارهای فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از ویژگی‌های نظام امنیتی پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ به بعد) است. بر اساس ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد هدف از اتخاذ اقدامات غیرنظامی، اعمال فشار بر دولت ناقض صلح و امنیت بین‌المللی برای تغییر رفتار، کاهش توانایی نظامی، سیاسی، اقتصادی، محدود کردن ارتباطات بین‌المللی و انزوای آن است. سازمان ملل متحد تا قبل از پایان جنگ سرد فقط علیه رودزای جنوبی در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ تحریم اعمال کرد؛ ولیکن در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن بارها و بارها شورای امنیت علیه دولت‌ها با صدور قطعنامه به اشکال مختلف از این ابزار استفاده کرده است. سازمان‌های منطقه‌ای نیز در این زمینه از سازمان ملل متحد اقتباس کرده‌اند؛ اما جدای از این موارد تحریم‌های یک‌جانبه عمدتاً از طرف آمریکا آمریکا به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی آن کشور تبدیل شده است به نحوی که تعداد کشورهایی که تاکنون به دلایل مختلف توسط آمریکا تحریم شده‌اند به ۲۳ کشور می‌رسد (Adibi and Habibi, 2017).

استفاده از تحریم‌های اقتصادی، سابقه‌ای طولانی در روابط بین‌الملل دارد. از قدیمی‌ترین موارد تحریم، می‌توان به محدودیت ایجاد شده از سوی پریکل‌ها بر واردات کالا از مگارا به بازار آتن در سال ۴۳۲ قبل از میلاد اشاره کرد. در قرن بیستم یکپارچگی بیشتر اقتصاد جهانی، موجب شد تحریم اقتصادی به ابزار مورد علاقه قدرت‌های بین‌المللی در جهت تحمیل اراده خود بر سایر کشورها مبدل شود (Ziaee, 1394: 91-98). در سال ۱۹۱۹ میلادی، وودرو ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا، تحریم‌های اقتصادی را به عنوان راهکاری اقتصادی، صلح‌آمیز و مهلک برای اداره جامعه جهانی توسط جامعه ملل پیشنهاد نمود (Islami and Naqdi, 2016).

موج جدید تحریم‌ها با پایان جنگ سرد و ظهور نظام تک‌قطبی به راه افتاد و قدرت‌های جهانی برای جلوگیری از هزینه‌های مداخله نظامی در سایر کشورها، از تحریم به عنوان ابزاری جایگزین برای پیگیری سیاست‌های خود بهره بردند. از این‌رو، شورای امنیت سازمان ملل که در ۴۵ سال نخست عمر خود، تنها دو بار اقدام به وضع تحریم علیه رودزیا (۱۹۹۶) و آفریقای جنوبی (۱۹۷۷) نموده بود، تنها در دهه ۱۹۹۰، ۱۶ بار تحریم‌های جامع را علیه کشورهای جهان مانند بوسنی، چین و سومالی به تصویب رساند (Asgarian and Vakili, 2014: 115). تحریم اقتصادی اقدام برنامه‌ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. تحریم ممکن است در یکی از این معانی به کار رود: تحریم یا بایکوت<sup>۱</sup> در علوم سیاسی، فعالیتی اعتراضی در شکل خودداری از انجام یک کار، مانند تحریم انتخابات - تحریم بازی‌های المپیک (Bayat, 2012: 935).

<sup>۱</sup>. Boycott

- تحریم یا سانکشن<sup>۱</sup>، نوعی جریمه که با هدف واداشتن تحریم شونده به اطاعت از قانون صورت می‌گیرد، مانند تحریم‌های علیه ایران (Eghbali and Ghanbari, 2015).

- تحریم‌های اقتصادی نیز عمدتاً از دو طریق اعمال می‌شود. تحریم تجاری و تحریم مالی. تحریم تجاری که با محدود کردن یا قطع کردن انواع روابط وارداتی و صادراتی همراه می‌شود. در تحریم مالی محدودیت و تضيیقات و فشارهایی بر روابط مالی کشور هدف اعمال می‌شود. یعنی سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و معاملات مالی کشور تحت فشار قرار می‌گیرد (Abdullahi, 2006: 78). تقسیم‌بندی دیگری می‌توان از جهت منشأ تحریم نیز در نظر داشت: ۱- اول تحریم یک‌جانبه، در این نوع کشور فرستنده تحریم بر اساس تصمیم یک‌طرفه خود تحریم را اعمال می‌کند. ۲- دوم تحریم چندجانبه که از سوی چند کشور علیه کشور هدف صورت می‌گیرد ۳- سوم تحریم سازمان ملل است که به وسیله شورای امنیت اعمال می‌شود. از آنجا که در تحریم یک طرفه، فقط یک کشور روابط تجاری و مالی خود را با کشور هدف محدود می‌کند، در نهایت این تحریم آثار سوء کمتری خواهد داشت. میزان این اثرگذاری به نفوذ اقتصادی کشور فرستنده تحریم در کشور هدف بستگی دارد. به طور مثال اگر کشوری مانند آمریکا بر کشوری مانند کانادا که در حد ۸۰ درصد روابط تجاری اش وابسته به آمریکا است تحریم اعمال کند بدون تردید کشور کانادا به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و به اوضاع وخیمی دچار می‌شود؛ اما اگر سهم معاملات اقتصادی آمریکا با کشوری مثلاً حدود ۱۱ درصد باشد، تحریم یک جانبه کاری از پیش نخواهد برد (Sedaghat et al., 2020) البته در سطح کشور تحریم شده، میزان افزایش هزینه‌ها به میزان وابستگی آن کشور به طرف تحریم کننده بستگی دارد. در تحقیقی که در خصوص اثربخشی تحریم‌های اقتصادی صورت گرفت، این نتیجه اعلام شد که ۱۷۱ مورد تحریم اقتصادی از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۰، صورت گرفته که حدود ۶۶ درصد آن موفق نبوده و ۳۴ درصد بقیه هم فقط نسبتاً موفق بوده‌اند (Eghbali and Ghanbari, 2015). این آمار نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی در ذات خود موفقیت نداشت. از سال ۱۹۷۳ تاکنون هم ۲۴ درصد تحریم‌های اقتصادی نسبتاً موفق ارزیابی شده است. تنها مواردی که در تاریخ تحریم‌های اقتصادی از آن‌ها به عنوان نمونه‌های موفق نام برده می‌شود، تحریم‌هایی است که علیه آفریقای جنوبی یعنی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و رژیم نژادپرست رودزیا (در کشور زیمبابوه) صورت گرفت. غیر از این دو مورد در تاریخ تحریم‌های اقتصادی، مورد عراق در این اواخر مثال زده می‌شود. در آفریقای جنوبی هم تحریم اقتصادی موجب نشد که یک حکومت سیاه‌پوست بر سر کار بیاید اما فشارهای زیادی به رژیم آن کشور وارد کرد (Ziaei and Mohammadi Motlagh, 2014: 178). هدف این مقاله بررسی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل است. سؤال اصلی مقاله این است که دیدگاه حقوق بین‌الملل درباره اعمال تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه علیه کشورهای ثالث چیست و در چه مواردی آن را جایز دانسته است؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای خواهد بود.

<sup>۱</sup>. Sanction

## رویکرد نظری

تحریم معادل واژه انگلیسی بایکوت است که سابقه آن به سرنوشت کاپیتان چارلی بایکوت یک ملاک انگلیسی در ایرلند قحطی زده در اواخر دهه ۱۸۷۰ برمی‌گردد. در این جریان کاپیتان به خاطر رفتار ظالمانه نسبت به کشاورزان از سوی مجمع زمین‌داران ایرلند، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در انزوا قرار گرفت (Mir Abbasi and Siquani, 2019). با شروع این قرن، از کاربرد رایج خود در حقوق روابط کار به صحنه بین‌المللی انتقال یافت و دچار تغییرات و پیشرفت‌های بعدی شد. تا سال ۱۹۱۸، تحریم اقتصادی مکملی برای اقدامات نظامی بود؛ چراکه در دوران قبل از جامعه ملل و سازمان ملل متحد جنگ پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر بود. لغت تحریم به معنی اقدامات و تدابیر قهرآمیزی است که با تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد، توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشور دیگری که به قوانین بین‌المللی تجاوز کرده یا از معیارهای اخلاقی مقبول در جامعه بین‌المللی تخطی کرده است، اعمال می‌شود. این عملکرد می‌تواند یکی از تأثیرگذارترین سلاح‌های جامعه بین‌المللی برای مقابله با خاطیان باشد. اعمال تحریم‌ها هدفمند است و سلاخی بی‌رحمانه و یک طرفه نیست، هدف آن است که کشور متخلف را از عملکرد خود منصرف کند یا بر سر میز مذاکره بنشاند (Izanloo and Hatefi, 2014).

حقوق بین‌الملل که از شعبات حقوق عمومی است، همان حقوق جامعه بین‌المللی می‌باشد؛ یعنی مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرائی که ناشی از روابط بین‌الملل و تنظیم‌کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌المللی است. این رشته حقوقی، بر حقوق ملی یا داخلی کشورها تقدم و اولویت داشته و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (دولتی) ملزم به رعایت این قواعد در روابط خود هستند. البته حقوق بین‌الملل در موارد خاصی، حقوق و تکلیف اشخاص حقیقی عادی، شرکت‌های خصوصی خارجی (از جمله شرکت‌های فراملی یا چند ملیتی)، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نهضت‌های آزادی‌بخش را نیز مشخص می‌کند (Berkshire, 1996).

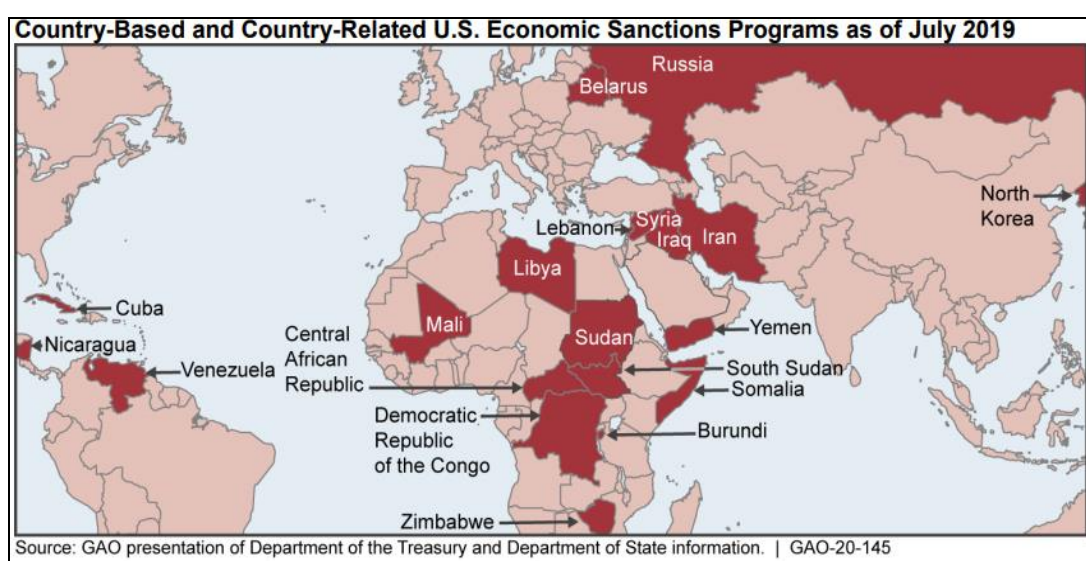
در چشم‌انداز کلی، تحریم شامل هر عمل منفی یا پاسخ به عمل یا کنش در چارچوب اهداف تحریم است. «هنری بنین» و «رابرت گیلپین» تحریم را دست‌کاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که «به منظور ناگزیر کردن جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند» (Zahrani, 1997: 67). «مایکل مالوی» اعتقاد دارد که تحریم سلسله اقدامات بدون استفاده از قوای تهدید علیه کشور هدف یا فرد موردنظر است. همچنین از نظر «بری ای کارتر» تحریم عبارت است از: اقدامات اجباری علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها یا دست‌کم نمایش ایده‌های یک کشور در قبال سیاست‌های دیگر کشورها است همچنین تحریم را نیز می‌توان عمل تنبیهی به‌وسیله کشوری علیه کشور دیگر، برای تلافی رفتار قبلی غیر قابل پذیرش تعریف کرد. مارگارت داکسی از نویسندگان مطرح در موضوع تحریم اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌کند: تنبیهاتی که در قالب تبعات اعلام شده ناکامی هدف در تبعیت از استانداردهای یا الزامات بین‌المللی، تهدید به اجرا و یا واقعاً اعمال شده‌اند (Behrozi far and Kokbi, 2006).

کارتر تعریفی دیگر از تحریم‌های بین‌المللی دارد و آن اینکه: اقدامات اقتصادی زورمدارانه که علیه یک یا چند کشور اعمال می‌شوند و هدف آن تلاش برای اجبار به تغییر سیاست یا حد اقل اثبات نظر کشور تحریم‌کننده درباره سیاست‌های کشور دیگر است. رابرت پی اوکوئین در کتاب خود راهنمای تحریم‌های اقتصادی، این مسئله را مطرح می‌کند که آیا تحریم‌ها واقعا راهی مناسب برای تامین اهداف سیاست خارجی هستند و «برای اطمینان از پیشبرد منافع از طریق این تحریم‌ها، چه راهبردهایی باید در کنترل آنها به کار گرفته شود». وی می‌افزاید: تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند (Ashuri and Mortezaei, 2018). البته این تسلیحات نیز مانند تمامی دیگر تسلیحات راهبردی باید با حد اکثر احتیاط به کار گرفته شوند تا مبادا شرکت‌های خودی و کارگران، تامین‌کنندگان و سهامداران آنها هدف آتش خودی قرار گیرند. هافبائر و اسکات با محدود کردن تعریف و یا تهدید عملیاتی معتقدند: تحریم اقتصادی عبارت است از: حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول مزیت چنین تعریفی آن است که خود را به حقایق مشهود و نه تفسیر انگیزه‌ها محدود می‌کند. این تعریف از ماده ۴۱ منشور سازمان ملل استفاده می‌کند که مبنای حقوقی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل است. در ماده ۴۱ هیچ اشاره‌ای به تحریم اقتصادی نشده است بلکه تنها فهرستی غیر جامع از ابعاد اجرایی این اقدامات ارائه می‌کند که شاملتفیسر کامل یا جزیی روابط اقتصادی و راه‌آهن، دریا، هوا، پست، تلگراف، رادیو و دیگر ابزارهای ارتباطی و تحدید روابط دیپلماتیک است. پس از این مباحث و آشنایی با تعارف موجود در ارتباط با تحریم، موضوع کارایی تحریم را بررسی می‌شود. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعدد درباره تحریم‌های یک جانبه و بین‌المللی انجام گرفته است اکثر بحث‌ها درباره تحریم‌ها، عمدتا به بررسی میزان کارایی آنها متمرکز بود. در ارتباط با میزان کارایی و موفقیت تحریم‌ها در حصول به اهداف موردنظر، دیدگاه‌های مختلف و بعضا متضاد وجود دارد (Bayat, 2012).

#### محیط مورد مطالعه

تحت فشار قرار دادن ایران با ابزار تحریم، روش غرب برای مقابله با ایران است. مقابله‌یی که سال‌هاست ادامه دارد و بنا به گفته باراک اوباما رییس جمهور امریکا شدیدتر هم خواهد شد. تحریم‌هایی که در سال جاری میلادی وارد فاز جدیدی شده و مدعی هدفمندی و فلج‌کنندگی هستند. به گونه‌یی که این بار غرب دست به دامن تحریم نفت و بانک مرکزی ایران شده تا از این طریق ایران را قانع کند که دست از برنامه‌های اتمی خود بردارد. اتحادیه اروپا هفته گذشته تحریم نفت ایران را تصویب کرد. اقدامی که مورد استقبال باراک اوباما رییس جمهوری امریکا قرار گرفت (Eghbali et al., 2016). اوباما در پیامی این اقدام اروپا را نشانه‌یی برای «همبستگی جامعه بین‌الملل در نگرانی از برنامه اتمی ایران» دانست و وعده داد که در همین راستا امریکا نیز تحریم‌های سنگین تری علیه ایران وضع خواهد کرد. این در حالی است که پیش از این امریکا خود تحریم نفت و بانک مرکزی ایران را به تصویب رسانده بود و تلاش‌های گسترده‌یی را با کشورها شرق آسیا برای پیوستن به این تحریم‌ها آغاز کرده است. از سوی دیگر خرداد ماه سال گذشته شورای امنیت سازمان ملل نیز تحریم‌هایی علیه نهادهای نظامی ایران و برخی

شرکت‌های ایرانی اعمال کرد. به این ترتیب کشورهای غربی تمام توان خود را برای توقف برنامه اتمی ایران به کار بسته‌اند. این تلاش‌ها در شرایطی رخ می‌دهد که مقامات کشورهای غربی از باز بودن «باب مذاکره» با ایران نیز سخن می‌گویند. کاترین اشتون مسوول سیاست خارجی اروپا بارها به این نکته اشاره کرده است. باراک اوباما نیز در اواخر هفته گذشته از «حل مسالمت آمیز» مساله سخن گفت. این رویکرد همیشگی غرب در رابطه با ایران بوده است، پس از انقلاب اسلامی کشورهای غربی بویژه آمریکا برای حل مسائل خود با ایران تحریم را به عنوان مسیری موازی با چانه زنی برای مقابله با ایران در نظر گرفته‌اند. تحریم ایران از سوی کشورهای غربی سابقه طولانی دارد (Jalali and Akbari, 2014).



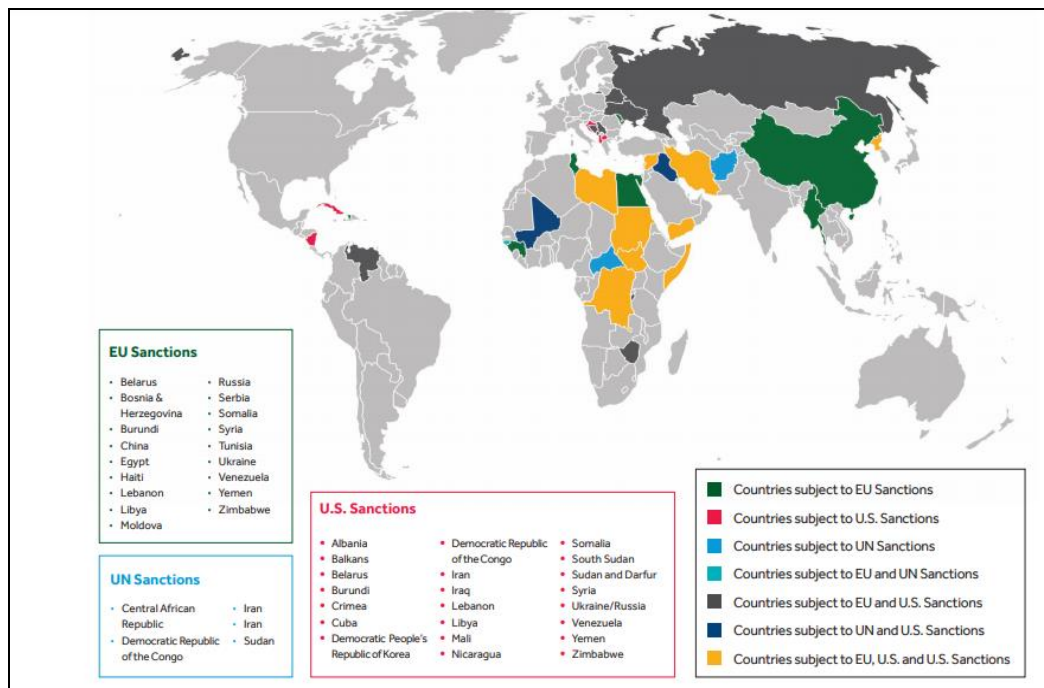
نقشه ۱: کشورهای هدف تحریم‌های آمریکا

Source: <https://www.gao.gov/assets/710/701891.pdf>

نخستین تحریم ایران در دوره ملی شدن صنعت نفت ایران و توسط دولت بریتانیا صورت گرفت. تحریم بریتانیا در آن زمان واکنشی بود به اقدامات دکتر مصدق. این تنها اقدام تحریمی غرب علیه ایران بود که پیش از انقلاب رخ داد؛ اما پس از انقلاب اسلامی اوضاع به گونه‌ی دیگر رقم خورد. تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و به گروگان گرفتن کارکنان سفارت باعث شد، آمریکا نیز برای نخستین بار از ابزار تحریم برای مقابله با اقدام دانشجویان انقلابی استفاده کند. تسخیر سفارت آمریکا موجب قطع روابط ایران و آمریکا در تاریخ ۱۸ فروردین سال ۱۳۵۹ شد. پس از قطع روابط ایران و آمریکا این کشور در اقدامی تلافی‌جویانه نخستین تحریم‌های اقتصادی را نیز اعمال کرد. آمریکا همچنین ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های دولت ایران را مصادره کرد. در جریان جنگ ایران و عراق نیز آمریکا مصوبه سازمان ملل مبنی بر عدم فروش تسلیحات نظامی به ایران و عراق را علیه ایران اجرایی کرد. تحریمی که البته از سوی جامعه جهانی رعایت نشد و فروش تسلیحات به ایران و عراق صورت می‌گرفت (Haddadi, 2003).

در سال ۱۳۶۶ رونالد ریگان رئیس جمهوری وقت آمریکا تحریم‌های بیشتری را علیه ایران اعمال کرد. ریگان ایران را متهم به «حمایت از تروریسم» کرده بود. در اواخر دوره ریاست جمهوری ریگان آمریکا به این نتیجه رسید که

پیشرفت نظامی ایران می‌تواند منافع امریکا در خاورمیانه را تهدید کند. براساس این تحلیل امریکا تحریم‌های اقتصادی دیگری را در مه ۱۹۹۳ علیه ایران تصویب کرد. تحریم‌هایی که با عدم همراهی کشورهای اروپایی به بن بست خورد. امریکا انتظار داشت آلمان، انگلیس و فرانسه از خرید نفت ایران خودداری ورزند اما این کشورها این خواست امریکا را خودخواهی می‌دانستند چرا که در آن زمان امریکا از ایران نفت می‌خرید. عدم همراهی متحدان امریکا باعث شد که تحریم‌های سال ۹۳ به نتیجه نرسد (Heidari, 2017).



نقشه ۲: صادر کنندگان و اهداف عمده تحریم‌ها

Source: <https://www.debevoise.com>

اما اوج فعالیت‌های تحریمی علیه ایران در قرن بیستم مربوط به دوره بیل کلینتون، رئیس‌جمهور دموکرات امریکا است. در آوریل ۱۹۹۵ (اردیبهشت ۷۴) بیل کلینتون تصمیم گرفت برای اثر گذاری بیشتر تحریم‌ها تمام روابط اقتصادی اعم از خرید نفت و سرمایه گذاری در ایران را قطع کند. کلینتون با اعمال این سیاست به دنبال آن بود که متحدان امریکا را با تحریم‌ها همراه کند. براساس قانونی که به امضای کلینتون رسید و قانون «ایلسا» نامیده شد، امریکا هر شرکتی را که با ایران بیش از ۲۰ میلیون دلار تجارت داشت تهدید به تحریم کرد؛ اما این سیاست کلینتون هم جواب نداد و کشورهای اروپایی در تحریم‌های جدید نیز با امریکا همراهی نکردند، حتی بریتانیا با در پیش گرفتن سیاست «گفت و گوهای انتقادی» راه جدیدی را در پیش گرفت و امریکا را در تحریم یک‌جانبه ایران تنها گذاشت. پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات در سال ۱۹۹۷ امریکا وارد سیکل «آسان‌گیری» در تحریم‌ها شد (Rouhani and Namazi, 2017). روابط ایران با کشورهای اروپایی روز به روز بهبود یافت و حتی بحث پیرامون از سرگیری روابط ایران و امریکا مطرح شد؛ اما پس از روی کار آمدن بوش در امریکا و حملات یازده سپتامبر، روابط ایران و امریکا باز رو به تنش پیش رفت. بوش ایران را در کنار کره شمالی و عراق به عنوان محورهای

شرارت در جهان معرفی کرد. در پی تحولات جدید در جهان، اتفاقات تازه بی نیز در ایران رخ داد، محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۰۴ رییس جمهوری شد. در همان زمان بود که بحث پرونده هسته بی ایران آرام آرام به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی غرب مطرح شد. ایران که در اواخر دوره ریاست جمهوری خاتمی فعالیت‌های هسته بی خود را به حالت تعلیق در آورده بود با روی کارآمدن احمدی نژاد به این تعلیق پایان داد. بحث پرونده هسته بی و اتهام حمایت ایران از «گروه‌های تروریستی» باعث شد که شیب فشار غرب به ایران روز به روز تندتر شود. همین شرایط موجب شد که در اوایل سال ۲۰۰۵ تحریم‌ها علیه ایران شدیدتر شود. در سال ۲۰۰۶ بری نخستین بار به دلیل شکست گفت وگوها با ایران، پرونده هسته بی ایران به سازمان ملل رفت و کشورهای عضو سازمان ملل گزینه تحریم را انتخاب کردند. به این ترتیب کشورهایی مانند کانادا، فرانسه و ایتالیا نیز به جمع تحریم کنندگان پیوستند. در سال ۲۰۰۷ نیز تحریم‌ها بیشتر شد. بانک ملی، بانک ملت و بانک صادرات به اتهام «حمایت مالی از گروه‌های تروریستی» تحت تحریم امریکا قرار گرفتند، از طرف دیگر مایکروسافت و یاهو ایران را از خدمات رسانی در حوزه «وب» محروم کردند. در سال ۲۰۰۸ با روی کارآمدن باراک اوباما انتظار می رفت تحریم‌ها علیه ایران کاهش یابد، اما اوباما نیز همانند بیل کلینتون تحریم‌ها علیه ایران را گسترش داد. تحریم‌ها در دوره اوباما به شخصیت‌ها و مقامات ایرانی نیز سرایت کرد، در کنار تحریم شخصیت‌ها بسیاری از شرکت‌هایی که برای دور زدن تحریم‌ها تلاش می کردند تحریم شدند؛ اما آخرین تلاش‌های تحریمی غرب در راستای مقابله با برنامه هسته بی ایران به اقدامات اخیر آنها در تحریم نفت و بانک مرکزی ایران باز می گردد (Zamani and Gharibabadi, 2015).

تحریم‌های ایران از سوی قدرت‌های جهانی در جهت مجازات حکومت ایران یا وادار کردن این کشور به انجام یا انجام ندادن عملی به کار گرفته شده‌اند. عمده تحریم‌ها علیه ایران پس از وقوع انقلاب ۵۷، بعد از اشغال سفارت امریکا در تهران شکل گرفت و در پی چالش بر سر برنامه هسته‌ای ایران شدت بیشتری گرفت. برنامه اتمی ایران از سال ۸۵ و به دنبال ارجاع پرونده این کشور از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، با تحریم‌های مختلفی مواجه شده است. تحریم‌های ایران را از نظر تحریم‌کنندگان می‌توان به ۴ دسته کلی تقسیم بندی کرد: تحریم‌های چندجانبه، مانند تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های اتحادیه اروپا، تحریم‌های تک‌جانبه از سوی کشورهای مختلف مانند امریکا و تحریم‌های کنگره امریکا (Zahrani, 2008).

نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم بریتانیا علیه ایران به منظور واکنش در برابر انتخاب دکتر محمد مصدق به وزارت بود که هدف ملی‌سازی صنعت نفت را دنبال می‌کرد. اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران در زمان نخست‌وزیری محمد مصدق و به منزله واکنش علیه ملی شدن صنعت نفت ایران صادر شد. امریکا نیز در سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تصرف سفارت امریکا در تهران علیه ایران وضع کرد. در سال ۱۹۹۵، بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت امریکا اقدام به وضع تحریم‌هایی کرد که به موجب آن شرکت‌های نفتی آمریکایی از سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز ایران منع شده بودند. وهم چنین روابط بازرگانی با ایران نیز یک‌جانبه قطع شد (Sajjadpour and Vakili, 2015).



قدرت‌های دنیا با ادعای انگیزه توقف در پیشرفت برنامه اتمی ایران تحریم‌هایی علیه ایران شکل دادند. به گفته کارشناسان، این تحریم‌ها روی برنامه اتمی ایران تأثیرگذار نبوده است، بلکه تأثیرات منفی روی اقتصاد ایران گذاشته است. این تحریم‌ها در زمینه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی، فروش سلاح و مهمات می‌باشد. از جمله تأثیرگذارترین این تحریم‌ها می‌توان به تحریم صادرات نفت ایران و بانک مرکزی ایران اشاره کرد که اقتصاد تک‌محصولی ایران (نفت) و نقش بانک مرکزی ایران در وصول درآمد سهل حاصل از فروش نفت ایران به کشورهای جهان را هدف گرفته است. با توجه به تحریم هردو بخش نامبرده، اقتصاد ایران دچار مشکل جدی شده است. آمریکا پیش از سال ۲۰۰۷ مدت‌ها بود که صادرات دارو، مواد غذایی و محصولات کشاورزی به ایران را از لیست تحریم‌ها خارج کرده بود از این رو سیگار در فهرست تحریم‌ها قرار نداشت. طی گزارشی در سال ۲۰۰۷ ایران سومین مصرف‌کننده سیگار آمریکایی در دنیا بوده است و سال ۲۰۰۵ اداره آمار آمریکا اعلام کرد که ۱۰۰ میلیون دلار از کالاهای صادراتی به ایران سیگار بوده است. آبان ۱۳۹۱ رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت امور خارجه ایران از تحریم‌های دارویی وضع شده جدید علیه ایران صحبت کرد. بهمن ۱۳۹۲ عباس عراقچی معاون امور حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه از لغو تحریم دارو و مواد غذایی خبر داد. برخی خبرگزاری‌های ایران مدعی شدند که تحریم دارو و مواد غذایی حدوداً از سال ۱۳۹۰ به بعد در حالی صورت گرفته است که سیگار تحریم نبوده است. این در حالی است که وزارت خزانهداری آمریکا در آبان ۱۳۹۰ تحریم دارو، تجهیزات پزشکی و مواد غذایی برای انسان‌ها و حیوانات علیه ایران را از فهرست تحریم‌ها حذف کرده بود و دقیقاً تعیین شده بود که مواد غذایی شامل سیگار، آدامس و مشروبات الکلی نمی‌شود بدین معنی که سیگار در فهرست تحریم‌ها بوده است اما تجهیزات پزشکی و مواد غذایی نبوده‌اند. مقام‌های دولت آمریکا تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را سخت‌ترین و فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ تمدن انسان نامیده‌اند. این تحریم‌ها از لحاظ فنی به ۴ گروه تقسیم می‌شود که تصویب و لغو هرکدام سازوکار جداگانه‌ای دارد. بخشی از دشواری مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ هم درباره چگونگی لغو همین تحریم هاست. ایران در برخی از موارد با شکایت از تحریم‌های صورت گرفته موفق شده حکم لغو آن‌ها را از دادگاه اتحادیه اروپا بگیرد. لغو تحریم از طریق شکایت در دادگاه گرچه می‌تواند آرام آرام رویه‌ای در این زمینه ایجاد کند اما روند لغو تحریم‌ها از این روش بسیار زمان‌بر و هزینه‌ساز و با نتیجه‌ای غیرقابل تضمین است (Saif et al., 2013).

پس از رئیس‌جمهور شدن محمود احمدی‌نژاد و به دنبال شدت گرفتن اختلافات بین ایران و کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، دو قطع‌نامه تحریمی علیه ایران وضع گردید. این تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران برگرفته از فصل هفتم منشور سازمان ملل هستند که در آن صحبت از «تهدید یا نقض صلح در جهان» به میان آمده است. اصل ۴۲ فصل هفتم این اجازه را می‌دهد که برای تضمین صلح، تصمیم‌های ویژه گرفته شود، حتی اگر احتیاج به متوسل شدن به نیروی نظامی باشد. پس از اعمال دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، کشورهای آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحریم‌های یک‌جانبه فراتر از قطعنامه تصویب شده را نیز علیه ایران اعمال کردند (Shafiee and Akhavan, 1398).

پرونده ایران در تاریخ هجدهم اسفند ۱۳۸۴ مطابق با هشتم مارس ۲۰۰۶ از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت ارجاع شد. شورای امنیت تاکنون شش قطعنامه علیه پرونده اتمی ایران تصویب کرده که چهار قطعنامه آن حاوی تحریم‌های تازه بوده‌است. قطعنامه‌هایی که شورای امنیت تاکنون دربارهٔ برنامه اتمی ایران صادر کرده، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد است که به مسئولیت سازمان در مواجهه با تهدید علیه صلح جهانی می‌پردازد. این مصوبات برای تمامی اعضای سازمان ملل لازم‌الاجراست. در هنگام تصویب هر کدام از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، کمیته‌های تحریم تشکیل شده‌اند که کارشان بررسی این است که چه کسانی و به چه طریقی هدف این تحریم‌ها خواهند بود. تا زمانی که پرونده اتمی ایران از شورای امنیت خارج نشده باشد، کمیته تحریم‌ها همچنان به کار خود ادامه خواهند داد و فهرست خود را به روز خواهد کرد. در صورت حل و فصل پرونده اتمی ایران و توافق جامع با گروه ۱+۵، اعضای دائم شورای امنیت با طرح قطعنامه‌ای در شورا، درخواست لغو تحریم‌ها را مطرح و سپس با تصویب آن، پرونده ایران را از دستور کار شورا خارج می‌کنند (Shokouhyar and Ahmadi, 2016).

#### تحریم‌های اتحادیه اروپا

شورای وزیران اتحادیه اروپا تاکنون تحریم‌های متنوع و متعددی را علیه برنامه اتمی ایران به صورت مصوبه‌های مستقل از هم تصویب کرده‌است. تحریم‌های اتحادیه اروپا همه کشورهای عضو را ملزم به رعایت آن می‌کند. اولین تحریم اتحادیه اروپا علیه برنامه اتمی ایران بر مبنای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، بهمن سال ۱۳۸۶ (فوریه ۲۰۰۷) تصویب شد. اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌هایی به ایران که می‌توانست در گسترش فناوری‌های موشکی و اتمی کاربرد داشته باشد، هدف اولین دور از تحریم‌های اتحادیه اروپا بود. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد به حمل و نقل هوایی و دریایی، معاملات بانکی، فروش نفت و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌ها، اشخاص و شرکت‌های مورد تحریم بیشتری را شامل شد. در صورت توافق جامع اتمی ایران و گروه ۱+۵، مسئول سیاست خارجی اتحادیه به همراه سه کشور اروپایی حاضر در مذاکرات (بریتانیا، فرانسه و آلمان) متعهد به لغو تحریم‌ها می‌شوند. لغو تحریم‌ها از سوی شورای وزیران اتحادیه اروپا با تصویب طرحی در این شورا انجام می‌شود (Sadrpour et al., 2016).

#### تحریم‌های یک جانبه دولت‌ها

آمریکا، بریتانیا، کانادا سه کشور اصلی اند که دولت آن‌ها به پیروی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های یکجانبه‌ای را علیه برنامه اتمی ایران به تصویب رسانده‌اند. از حیث تنوع و گستردگی، تحریم‌های آمریکا علیه ایران یکی از وسیع‌ترین تحریم‌های تصویب شده یک جانبه علیه یک کشور است. به دلیل ارتباطات وسیع سیاسی و تجاری با کشورهای مختلف جهان، آمریکا بسیاری از تحریم‌های یک جانبه اش علیه ایران را توانسته عملاً به دیگر کشورها تسری دهد. برای مثال برخی از شرکت‌هایی که عمده سهام آن‌ها متعلق به شرکت‌ها یا سرمایه‌گذاران آمریکایی است، هم عملاً مجبور به پیروی از تحریم‌های آمریکا شده‌اند. همچنین، بسیاری از کشورها

و شرکت‌های خارجی نیز از بیم اقدامات تلافی جویانه آمریکا، از جمله محدودیت دسترسی آن‌ها به امکانات و تسهیلات مالی و تجاری آمریکایی، به درجات مختلف از این تحریم‌ها تبعیت کرده‌اند (Sedghi and Cheraghi, 2012).

اقدام‌های لازم برای لغو این تحریم‌ها باید در نهادهای تصمیم‌گیرنده این کشورها و در سطح ریاست جمهوری یا بالاترین مقام اجرایی کشور انجام شود. در صورت توافق جامع اتمی ایران و گروه ۱+۵، تحریم‌های دولت‌های بریتانیا و آمریکا که صرفاً مربوط به برنامه اتمی ایران است، لغو می‌شود. به دلیل گستردگی تحریم‌های صورت گرفته آمریکا علیه ایران طی ۳۵ سال گذشته یکی از مشکلات، شناسایی تحریم‌های اتمی از دیگر تحریم‌هایی است که به دلایل دیگر در این سه دهه وضع شده‌است. تحریم‌هایی که از سوی وزارت خارجه، وزارت خزانه داری و وزارت انرژی و نهایتاً کاخ سفید به اجرا گذاشته شده، با فرمان و مصوبه مقام‌های دولتی قابل لغو است و به نسبت تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و تحریم‌های کنگره، پیچیدگی کمتری دارد. تحریم‌های بریتانیا علیه ایران هم توسط دولت این کشور و نه پارلمان تصویب شده و لغو آن با تصمیم دولت امکانپذیر است (Samadzadeh, 2012).

تحریم‌های کنگره آمریکا

دشواری‌ترین بخش در لغو تحریم‌ها علیه برنامه اتمی ایران مربوط به تحریم‌های کنگره است. لغو این تحریم‌ها تصویب هم‌زمان مجلس نمایندگان و نمایندگان مجلس سنا را لازم دارد که در اختلافات تندرهای جمهوری‌خواه با باراک اوباما، رئیس‌جمهور از حزب دموکرات، می‌تواند اجرای تعهد دولت آمریکا برای لغو تحریم‌های اتمی علیه ایران را بسیار دشوار کند. در صورت تصویب توافق جامع اتمی ایران و گروه ۱+۵، دولت آمریکا متعهد به لغو تحریم‌های دولتی می‌شود اما بر اساس قوانین این کشور، دولت اختیاری درباره تحریم‌های کنگره نخواهد داشت و صرفاً می‌تواند به مدت شش ماه اجرای آن‌ها را به تأخیر بیندازد (Ziaei and Mohammadi Motlagh, 2014).

این به معنای آن است که در صورت تغییر رئیس‌جمهور (فرض کنید رئیس‌جمهور بعدی آمریکا از حزب جمهوری‌خواه و وعده‌های انتخاباتی او ضرورتاً هماهنگ با تعهد دولت اوباما نباشد) تضمینی برای اجرای دقیق تعهدات دولت قبلی آمریکا بر مبنای توافق جامع اتمی با ایران وجود نخواهد داشت؛ مثلاً دولت بعدی می‌تواند ضرورتاً اجرای تحریم‌ها را هر شش ماه یک بار به تعویق نیندازد یا «قانون تحریم ایران» را که کنگره وضع کرده و دسامبر ۲۰۱۶ منقضی می‌شود دوباره تمدید کند. در حال حاضر یکی از موضوعات مورد مذاکره ایران و آمریکا حل و فصل این بخش از مشکلات است. نمایندگان دولت آمریکا معذورات قانونی خود را مطرح می‌کنند و نمایندگان دولت ایران می‌گویند این مشکل داخلی آمریکا است که دولت این کشور باید راه حل آن را پیدا کند (Ziaei, 2015).

دسته‌بندی تحریم‌های آمریکا بر اساس وضع‌کنندگان

تحریم‌هایی که کنگره آمریکا وضع کرده‌است و فقط کنگره می‌تواند بردارد.

۱. تحریم‌هایی که ابتدا قوه مجریه وضع کرده، اما سپس کنگره آن‌ها را به صورت قانون درآورده و برچیدن آن‌ها را نیز در حوزه اختیارات خود قرار داده است.

۲. تحریم‌هایی که قوه مجریه وضع کرده‌است و رئیس‌جمهور می‌تواند بردارد.

۳. قانون تحریم ایران: قانون تحریم بسیار مهمی که کنگره وضع کرده‌است و در اواخر سال ۲۰۱۶ برای ده سال تمدید شد.

در این میان، رئیس‌جمهور معمولاً اختیار «تعلیق» (و نه برچیدن) برخی از تحریم‌های کنگره را دارد، ضمن اینکه می‌تواند با ارائه گزارش به کمیته مربوط کنگره و ادعای اینکه پیش‌شرط‌های این نهاد برای برچیدن تحریم‌ها علیه ایران برآورده شده‌است، نسبت به رفع کامل آن‌ها اقدام نماید. طبعاً، همان‌طور که ذکر شد، رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند از تمدید قانون ISA نیز جلوگیری کند و حتی از حق وتوی خود در برابر کنگره در زمان تمدید آن استفاده نماید؛ اما نکته مهم اینجاست که در فرهنگ سیاسی آمریکا (و نزد افکار عمومی این کشور) توسل رئیس‌جمهور به «مقرّهای قانونی» و اقدام علیه خواست باطنی و اراده کنگره (هرچند قانونی باشد) چندان اقدام پسندیده و مناسبی محسوب نمی‌شود. به ویژه در حوزه سیاست خارجه، مردم آمریکا قویاً انتظار دارند که تمام نهادهای سیاسی‌شان به صورت هماهنگ و در اجماع کامل با یکدیگر اقدام به تصمیم‌گیری نمایند و طبعاً، تکرورهای «قانونی» رئیس‌جمهور را در پرونده‌های حساسی مانند پرونده هسته‌ای ایران با اصل حفظ حرمت کنگره (که قاعداً بازتاب‌دهنده اراده ملی است) مغایر می‌دانند. در واقع، به چنین اقداماتی از جانب رئیس‌جمهور در لغتنامه سیاسی آمریکا *End-run around congress* می‌گویند که شاید بشود آن را به اصطلاح عامیانه دور زدن کنگره ترجمه کرد که معمولاً از آن با یک بار بسیار منفی و به عنوان یک ترفند ناپسند سیاسی یاد می‌کنند.

تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سطوح ایالتی (Abdullahi, 2006).

- ایالت فلوریدا در سال ۲۰۰۶ نخستین ایالتی شد که تحریماتی علیه صنایع انرژی ایران وضع نمود. ایالت فلوریدا تحریمات علمی و آکادمیک نیز علیه ایران وضع کرده‌است.
- ایالت نیوجرسی در سال ۲۰۰۷ هرگونه رابطه اقتصادی با ایران را منع نمود.
- ایالات کالیفرنیا، تگزاس و مریلند نیز تحریمات مشابهی علیه ایران وضع نموده‌اند.
- ایالات اوهایو، میزوری، میشیگان و ماساچوست نیز یا در حال وضع تحریمات، یا تحریمات علیه ایران را در دستورکار خود دارند.

تاریخچه تحریم‌های آمریکا علیه ایران

۱۹۷۹: نوامبر: آمریکا پس از آن که دانشجویان ایرانی سفارت آمریکا را در تهران مورد حمله قرار دادند و دیپلمات‌ها را گروگان گرفتند، تحریم‌هایی علیه ایران وضع کردند. واردات ایران به آمریکا ممنوع شد و ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های ایران توقیف شد.

۱۹۸۴: نوزدهم ژانویه: وزارت امور خارجه آمریکا ایران را به عنوان حامی تروریسم برای فعالیت‌های مداوم «حمایت از اقدامات تروریستی بین‌المللی» برگزید. این تشخیص آمریکا تحریم‌هایی جدید علیه ایران به همراه داشت.

۱۹۹۲: کنگره آمریکا قانونی در خصوص عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران سال ۱۹۹۲ علیه ایران تصویب کرد. این کار آمریکا نشان می‌داد که سیاست آمریکا برای مخالفت با هرگونه انتقال کالا یا فناوری به عراق یا ایران هر زمان که آنها اعتقاد داشته باشند این انتقال‌ها می‌تواند باعث دستیابی این کشورها به سلاح شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای یا پیشرفته‌ترین سلاح‌های متعارف شود. تاریخچه تحریم‌های آمریکا علیه ایران در حوزه هسته‌ای شاید از اینجا شروع شد (Aziznejad and Seyed Norani, 2009).

۱۹۹۶: پنجم آگوست: کنگره آمریکا قانون تحریم ایران و لیبی را که بعدها به عنوان قانون تحریم ایران نامیده شد را وضع کرد. این سازمان به دنبال جریمه نهادهایی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران بود که به گفته آنها سرمایه‌گذاری آن منابع مالی موجب می‌شد که ایران به توسعه سلاح‌های کشتار جمعی یا تامین مالی تروریسم دسترسی پیدا کند.

این قانون نیازمند تحمیل فشار به شرکت‌های خارجی می‌شد که بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند؛ اما بعد از اعتراض اروپا تا سال ۲۰۱۰، تحریم‌ها اعمال نمی‌شد (Asgarian and Vakili, 2014).

۱۹۹۶-۱۹۹۷: بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا، دستورات اجرایی را صادر کرد که در تاریخچه تحریم‌های آمریکا علیه ایران، صادرات تمام کالاها و خدمات از آمریکا به ایران یا از ایران به آمریکا ممنوع شد.

۲۰۰۷: بیست و چهارم مارس: شورای امنیت سازمان ملل متحد در پاسخ به عدم پاسخگویی ایران به درخواست خود برای متوقف کردن غنی‌سازی اورانیوم، قطعنامه ۱۷۴۷ را به اتفاق آراء تصویب کرد. این قطعنامه تحریم‌هایی را بر علیه ایران در ارتباط با برنامه هسته‌ای آن تشدید کرد.

۲۰۰۸: سوم مارس: شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۸۰۳ را علیه ایران تصویب کرد. این تحریم‌ها مربوط به برنامه هسته‌ای بود که ایران در حال گسترش آن بود.

۲۰۱۰: نهم ژوئن: در این سال شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۹۲۹ را علیه ایران تصویب کرد. این قطعنامه تحریم‌های مربوط به گسترش تسلیحات هسته‌ای ایران را تشدید می‌کرد، ایران را از انجام آزمایشات موشک‌های بالستیک یا هسته‌ای ممنوع می‌کرد و انتقال سیستم‌های مهم تسلیحاتی به ایران را تحریم کرد. بیست و چهارم ژوئن: کنگره آمریکا تحریم‌های جامعی علیه ایران تصویب می‌کند. در این تحریم‌ها هدف شرکت‌هایی هستند که سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران را انجام می‌دهند یا به ایران نفت خالص می‌فروشند و بانک‌های خارجی که با بانک‌های معینی از ایران تجارت انجام می‌دهند. بیست و ششم جولای: اتحادیه اروپا برای قرار دادن مجموعه‌ای از تحریم‌ها به توافق می‌رسد. در تاریخچه تحریم‌های آمریکا علیه ایران، هدف این تحریم‌ها مردم، شرکت‌ها و بخش‌هایی است که مستقیماً در برنامه هسته‌ای ایران و دیگر بخش‌ها فعالیت دارند (Olumi, 2005).

۲۰۱۱: سی و یکم دسامبر: کنگره آمریکا قوانینی را تصویب می‌کند که به آمریکا اجازه می‌دهد تحریم‌های جدیدی علیه بانک مرکزی ایران اعمال کند و در صورتی که کشورهای وارد کننده نفت ایران ظرف شش ماه به طور قابل توجهی واردات نفت از ایران را کاهش ندهند، بانک‌های کشور ثالث نیز شامل تحریم می‌شدند.

۲۰۱۲: ژانویه: اتحادیه اروپا موافقت کرد که واردات نفت از ایران را ممنوع کند. کنگره آمریکا تهدید تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌هایی که با ایران از طریق کاهش تنش‌ها و قانون حقوق بشر سوریه (TRA) کار می‌کنند را گسترش داد. قانون حقوق بشر سوریه همچنین ممنوعیت عمومی فعالیت اشخاص آمریکایی در ایران یا هر نهاد خارجی که متعلق به یک فرد آمریکایی است یا تحت کنترل آن است را گسترش داد.

۲۰۱۳: ژانویه: کنگره آمریکا همچنان تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌های تجاری در ایران با قانون آزادی و مبارزه با مواد مخدر ایران (IFCA) را گسترش داد.

بیست تا بیست و چهار نوامبر: ایران و گروه ۵ + ۱ در ژنو ملاقات می‌کنند. جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران و کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا که تیم مذاکره کننده ۵ + ۱ را رهبری می‌کند، در ۲۴ نوامبر برنامه جامع اقدام مشترک (JPOA) را امضا کردند (Olumi, 2005).

براساس این برنامه ایران باید غنی سازی اورانیوم را تا ۲۰ درصد متوقف کند و سازمان دیده بان هسته‌ای سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) بر روی سایت‌های هسته‌ای ایران نظارت داشته باشد تا تحریم‌ها محدود شوند و برخی دارایی‌های توقیف شده ایران در خارج از کشور بازپرداخت شوند. تحریم‌هایی که بر اساس این توافق کم می‌شوند شامل لغو تحریم‌ها علیه شرکت‌های خارجی که با بخش خصوصی ایران کار می‌کنند یا محصولات پتروشیمی از ایران خریداری می‌کنند، می‌شوند.

۲۰۱۴: بیستم ژانویه: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید ایران با شرایط برنامه جامع اقدام مشترک (JPOA) موافق است. آمریکا و اتحادیه اروپا می‌گویند که قصد دارند از تحریم‌های خاصی اجتناب کنند.

۲۰۱۵: چهاردهم جولای: ایران و ۵ + ۱، آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان، برنامه جامع اقدام مشترک را امضاء می‌کنند. براساس این معاهده، ایران موافقت کرد تا اقدامات خود را در خصوص برنامه هسته‌ای خود در عوض کاهش شدید تحریم‌های آمریکا، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا کاهش دهد. بیستم جولای: شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۲۳۱ را به تصویب رساند و تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را که در توافق هسته‌ای مطرح شده بود، لغو کرد. هجدهم اکتبر: ایران و ۵ + ۱ رسماً توافق هسته‌ای را قبول کردند. ایران شروع به محدود کردن برنامه هسته‌ای خود می‌کند. دولت اوپاما از ابطال تحریم‌های مربوط به اقدامات هسته‌ای از زمان اجرای توافقنامه خبر می‌دهد. اتحادیه اروپا قانونی برای لغو تحریم مربوط به اقدامات هسته‌ای از روز اجرای توافقنامه پیاده می‌کند (Olumi, 2008).

۲۰۱۶: شانزدهم ژانویه: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تایید کرده است که ایران بر تعهدات خود در زمینه معاهده هسته‌ای عمل کرده است. روز پیاده سازی معاهده اعلام شد و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد اجرا می‌شود.

آمریکا تحریم‌های ثانویه مربوط به اقدامات هسته‌ای را برداشت. در حالی که تحریم‌های ثانوی لغو می‌شود، اما تحریم‌های اولیه آمریکا علیه ایران باقی می‌ماند. این تحریم‌ها بیشترین فعالیت تجاری بین آمریکا و ایران را، از جمله صادرات بیشتر کالاها یا خدمات از آمریکا به ایران را ممنوع می‌کند. آنها بیشتر مقررات معاملات و تحریم‌های ایران (ITSR) را کنترل می‌کنند. برای هواپیماهای بوئینگ و هواپیمای ایرباس و شرکت‌های تابع و چند ملیتی آمریکا، موارد استثنا این تحریم‌ها بودند (Alavi, 2014).

اول دسامبر: کنگره آمریکا به مدت ده سال از قانون تحریم ایران (ISA) گذر می‌کند. این کار در روز ۱۵ دسامبر قانون می‌شود.

پانزدهم دسامبر: جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، مجوز لغو تحریم‌ها علیه ایران را صادر می‌کند.

۲۰۱۷: هفدهم می: دولت ترامپ، تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع می‌کند. هفدهم جولای: دولت ترامپ با اکراه با گواهی برنامه جامع اقدام مشترک JCPOA موافقت می‌کند. بیست و پنجم جولای: مجلس نمایندگان آمریکا، قانون ۳۳۶۴، سازمان ملل متحد را رد می‌کند که تحریم‌های جدیدی را علیه ایران، کره شمالی و روسیه تحمیل کند. سیزدهم اکتبر: ترامپ توافق هسته‌ای را تایید نمی‌کند. او در کنگره تهدید می‌کند که اگر نگرانی‌هایش در مورد توافق حل نشود، او توافق‌نامه را فسخ خواهد کرد. با این حال، او دوباره از تحریم‌ها اجتناب می‌کند (Alavi, 2016).

۲۰۱۸: ۱۲ ژانویه: ترامپ مجدداً از وضع تحریم‌های مربوط به اقدامات هسته‌ای ایران خبر داد. او می‌گوید وی مجدداً از وضع تحریم دست برنمی‌دارد، مگر اینکه کنگره قانون "اصلاح" آن چیزی که او به عنوان نقص در توافق‌نامه نام می‌برد را تصویب کند.

۲۰۱۹: سال ۲۰۱۹ سالی پر از تحریم برای ایران در تاریخ تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده است. ترامپ رییس جمهور آمریکا که یکی از رییس جمهورهای پر کار در آمریکا در زمینه تحریم ایران بوده است، صنایع فولاد، آهن، مس و آلومینیوم ایران را با صدور یک فرمان اجرایی تحریم کرد. با این تحریم به دیگر کشورها هشدار داده شد که مجوز ورود فولاد و سایر فلزات ایرانی به بنادرشان دیگر قابل قبول نیست (Alizadeh, 2017).

هفتم ژوئن: دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که آمریکا شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و ۳۹ زیرمجموعه و نمایندگی‌های فروش آن در خارج از ایران را در فهرست تحریم خود قرار داده است. در آخرین تحریم‌های آمریکا سپاه پاسداران در لیست تحریم‌ها قرار گرفت. در نهایت دیروز سوم خرداد ۱۳۹۸، ترامپ رهبر ایران و چندین مقام بلندپایه را تحریم کرد. اینکه این تحریم‌ها در اقتصاد و کاهش ارزش ریال تاثیر دارد یا خیر را باید اقتصاددانان بگویند، ولی بدون شک نباید از تاثیر این تحریم‌ها در زندگی مردم ایران غافل شد.

## یافته‌ها

امروزه ادعای صلاحیت برون‌مرزی قوانین دولت امریکا، تعارض جدی بین قوانین مذکور و قوانین سایر کشورها ایجاد کرده است. هنگامیکه قوانین برون‌مرزی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ اولین سؤال این است که آیا آثار اعمال برون‌مرزی براساس حقوق بین‌الملل قابل قبول است یا خیر. مطالعه جامع و متقن گیبینی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که اعمال قانون برون‌مرزی بدلیل عدم رابطه متقابل و ابتناء آن بر موضع قدرت، اساساً ضد دموکراتیک است (Faizi, 2014). در حالی که در حقوق بین‌الملل روشن است که کشورها حق اتخاذ تدابیر به منظور کنترل فعالیتها را در درون قلمروشان دارند، این مسئله هنوز جای بحث دارد که آیا این کشورها حق اعمال قوانین ملی را در خارج از قلمرو خود به منظور اجتناب از آثار منفی آن بر اقتصاد خود نیز دارند (Garshasbi and Yousefi Dindarloo, 2016). تحمیل معیارهای قانون اساسی آمریکا در خارج از مرزهای کشور و ارائه یک تفسیر سرزمینی از آن دست‌کم نسبت به اشخاصی که تبعه آمریکا نیستند نتیجه نادرست اعمال و اجرای قانون آمریکا می‌باشد. تاجایی که به حقوق دوران معاصر مربوط میشود اماره‌ای بر علیه کاربرد برون‌مرزی قانون آمریکا وجود دارد. در پرونده آرامکو<sup>۲</sup> دیوان عالی کشور آمریکا مقرر داشت که این یک اصل باسابقه در حقوق آمریکاست که قانون گذاری کنگره به معنای اعمال آن صرفاً در قلمرو حاکمیت آمریکا می‌باشد (Ibid., 301).

قانون داماتو از این حیث قابل انتقاد است که بطور نامعقولی درصد مجازات شرکتهایی است که کاملاً در خارج از مرزهای آمریکا مشغول فعالیت‌های تجاری به موجب قوانین داخلی کشورهای خود می‌باشند. صرف‌نظر از هدف قانون داماتو، تدوین آن به منظور اجبار اشخاص خارج از قلمرو قضائی آمریکا به، رفتار مطابق قانون مزبور صورت گرفته است. نظریه اینکه قانون داماتو به عنوان تجاوزی به حق حاکمیت دولتها محسوب می‌شود، می‌توان آن را بعنوان توسعه بالفعل قلمرو قضائی آمریکا به اعمالی که قانوناً خارج از مرزهای آن کشور انجام می‌شود قلمداد کرد (Mafi, 2006). استفاده از مجازاتهای تجاری برون‌مرزی به منظور اجرای سیاست آمریکا قانون داماتو را بعنوان یک قانون غیرمتعارف براساس حقوق بین‌الملل عمومی تبدیل کرده است (Mokhtari Hashi, 2015) به نظر میرسد که در قانون تحریم ایران و لیبی تلاشی بعمل نیامده است که مبین احترام به اصول قانونی تثبیت شده حقوق بین‌الملل راجع به تعیین صلاحیت بین دولتها باشد. همانگونه که لووه<sup>۳</sup> می‌گوید به موجب قانون داماتو به رئیس جمهور (آمریکا) دستور داده شده نشده است که تجارت آمریکا آمریکا را با سیاست خارجی آمریکا هماهنگ نگاهدارد. (بلکه) به او دستور داده شده که به عنوان یک پلیس جهانی عمل نماید و قوانین آمریکا را نسبت به هر شخص یا مکانی بر روی کره زمین تحمیل نماید (Mosalla Nejad, 2015).

به نظر مان<sup>۴</sup> در مواردی که دولتی با اعمال حقوق موضوعه خود نسبت به یک وضعیت معین ناقض حقوق بین‌الملل است، عمل او خطای بین‌المللی محسوب می‌شود (Manzoor and Mostafa Pour, 2013). بهمین دلیل

1. GIBNEY

2. ARAMCO

3. LOWE

4. MANN



استدلال می‌گردد که هیچ دولتی مجاز به اعمال قانون خود نسبت به خارجیان برای اعمالی که در خارج از قلمرو اختیارات قانونی آن دولت انجام می‌دهند، نمی‌باشد. این قاعده مبتنی بر حقوق بین‌الملل است که بموجب آن یک قدرت حاکم متعهد به احترام به اتباع و حقوق کلیه قدرتهای حاکم در خارج از قلمرو خود می‌باشد. نظر به اینکه چنین قانونی مغایر با استقلال سیاسی دولت‌ها و تجاوز به حاکمیت آنها می‌باشد علی‌الظاهر چنین صلاحیتی به موجب اصول حقوق بین‌الملل عمومی غیر قانونی است (Mahdilo et al., 2019). مسئله مهم دیگری که باید به آن پرداخت این است که تا چه اندازه دادگاه‌های کشورهای دیگر مکلف به شناسایی قانون برون‌مرزی داماتو می‌باشند. در حقیقت هیچ‌گونه تعهدی برای دولت‌ها و دادگاه‌های آن‌ها در شناسایی آثار قانونی که فی‌نفسه غیرقانونی و مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل است، نمی‌باشد (Mousavi Shafaei and Naqdi, 2015). این دیدگاه در ماده ۴ مقررات شورای وزیران اتحادیه اروپا انعکاس یافته است که بموجب آن کشورهای عضو اتحادیه مکلف به شناسایی حکم هیچ دادگاه، دیوان یا مرجع اداری در خارج از اتحادیه اروپا در مورد اجرای قانون داماتو نمی‌باشند (Rules of the Council of Ministers of the European Union, 11/29/1996) هدف از این مقررات که در برابر تاثیر اطلاق برون‌مرزی قانون داماتو اتخاذ شده است خنثی کردن آثار غیرقابل قبول قوانین تحریم آمریکا بر اتحادیه اروپا و حمایت از منافع شهروندان اتحادیه بوده است که به امر تجارت بین‌المللی و فعالیتهای تجاری بین اعضای اتحادیه و کشورهای ثالث می‌پردازند (Mohabati, 2018).

اعمال صلاحیت امریکا بر قلمرو کشورهای دیگر

نکته اصلی که مستلزم توضیح است در رابطه با این سؤال است که آیا بعنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل امریکا می‌تواند مسئولیت شرکت‌های خارجی را برای معاملاتی که کاملاً در خارج از قلمرواش انجام می‌گیرد در اختیار بگیرد. (Yavari and Mohseni, 2009) برای پاسخ به این سؤال لازم است با مفهوم صلاحیت آغاز کرد که موجب مباحثات گسترده بر اساس حقوق بین‌الملل گردیده است. امروزه، در میان محققین دانشگاهی و حقوقدانان این مسئله مورد اختلاف نیست که صلاحیت جنبه‌ای یا نتیجه‌ای از حاکمیت است (Yazdanfam, 2018) اعمال صلاحیت داخلی کشورها درباره اعمال و اشخاصی که در سرزمینشان قرار دارند یک مفهوم مسلم بموجب حقوق بین‌الملل عرفی است (Bruno, 1995) از آنجاییکه دولتها بر اساس حقوق بین‌الملل مستقل و قانوناً برابر می‌باشند، هیچ دولتی نمی‌تواند بدون رضایت دولت دیگر در قلمرو آن کشور اعمال صلاحیت کند (Bussuyt, 2012). استفاد از این موضوع این است که دولتها باید از اعمال حاکمیت در قلمرو کشورهای دیگر خودداری نمایند. (Cot and Pierre, 2005). در واقع نتیجه تجاوز از قلمرو صلاحیت بموجب حقوق بین‌الملل بی‌اعتباری صلاحیت است- (Mann, p. 12) دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که در پرونده لوتوس<sup>۱</sup> اصول اساسی صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی را پایه‌ریزی کرده است مقرر می‌دارد: اکنون نخستین و مقدم‌ترین محدودیت تحمیل شده بر یک دولت به موجب حقوق بین‌الملل این است که در صورت عدم وجود یک قاعده مجاز، آن دولت می‌تواند اختیارات خود را

<sup>۱</sup>. LOTUS CASE

در هر شکلی در قلمرو کشور دیگری اعمال نماید و صلاحیت در این مفهوم قطعاً سرزمینی است. هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمرواش اعمال حاکمیت کند مگر اینکه قاعدهء مجازی که از رسوم بین‌المللی یا قراردادهای بین‌المللی ناشی شده باشد وجود داشته باشد (Yazdanfam, 2018).

سؤال اساسی که باید به آن پاسخ گفت این است که آیا صلاحیت برون‌مرزی قوانین امریکا براساس مقررات حقوق بین‌الملل مربوط به صلاحیت تقنینی قابل توجیه می‌باشد. بخش ۴۰۳ از سومین تفسیر حقوقی از قانون روابط خارجی امریکا مقرر میدارد که یک دولت نمی‌تواند وقتی اعمال صلاحیت معقول و منطقی نیست به اعمال صلاحیت تقنینی در خصوص اشخاص یا فعالیت‌هایی که دارای ارتباط با کشور دیگری هستند بپردازد (Yavari and Mohseni, 2009). معنای آن این است که دولتی که دارای مبنای صوری برای کنترل معاملات در کشور دیگر است؛ چنانچه کشور دیگری دارای ارتباط نزدیک تری با اعمال مورد بحث باشد، باین وجود باید از اعمال برون‌مرزی قوانین خود خودداری کند (Mohabati, 2018) اصل معقولیت بعنوان تجلی یکی از اصول حقوق بین‌الملل مانع یک دولت از اعمال صلاحیتش در قلمرو دولتهای دیگر میگردد (Mousavi Shafaei and Naqdi, 2015). حقوق بین‌الملل هم‌چنین اعمال فعالیت‌های اجرایی را در یک کشور بدون رضای آن کشور اجازه نمی‌دهد. به نظر برانلی<sup>۱</sup> اعمال برون‌مرزی قانون صرفاً با تحقق اصول زیر قابل قبول می‌باشد.

۱- یک ارتباط اساسی و صادقانه بین موضوع و منبع صلاحیت موجود باشد.

۲- اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر رعایت شود.

۳- عناصر توافق، تقابل و تناسب بکار برده شود (Mahdilo et al., 2019).

تمایل عمومی در عرف کشورها و تحقیقات حقوقی حاکی از به رسمیت شناختن این موضوع است که حقوق بین‌الملل محدودیت‌هایی را بر اصول و قواعدی که دولت‌ها می‌توانند دعاوی مربوط به صلاحیت را براساس آنها توجیه کنند، اعمال می‌نماید. در پروندهء بارسلونا تراکشن دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر داشت که حقوق بین‌الملل: متضمن این تعهد برای دولتهاست که در حوزهء صلاحیت خود اعتدال را اعمال نمایند و از توسعهء صلاحیت بوسیلهء دادگاهها در مواردی که یک عنصر خارجی وجود دارد، پرهیز کنند و از تجاوز بی‌جهت به صلاحیت کشور دیگری که وابستگی بیشتری با آن دارد یا بطور مقتضی صلاحیتش قابل اعمال است، خودداری نمایند (Manzoor and Mostafa Pour, 2013). نتیجه منطقی این اظهار نظر دیوان این است که صلاحیت بعنوان یک ویژگی مهم حاکمیت نه تنها مستلزم محدودیت دولتها در اعمال حاکمیت در قلمرو داخلی خود می‌باشد، بلکه مؤکد این نکته مهم نیز هست که کشورها مکلفند ضمن احترام و رعایت صلاحیت سرزمینی دیگر کشورها از اعمال فعالیت‌ها و تصمیماتی که معارض و مغایر باین اصل پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عمومی است خودداری نمایند.

<sup>۱</sup>. BROWNLIE

اعمال صلاحیت برون‌مرزی براساس نظریه آثار یا نتایج مهم اساس صلاحیت قانون داماتو، نظریه آثار و نتایج مهم است که بموجب آن امریکا می‌تواند نسبت به عملی که در خارج از کشور صورت می‌گیرد ولی دارای آثار و نتایج مهم در داخل امریکاست ادعای صلاحیت کند (Mosalla Nejad, 2015). نظریه آثار و نتایج، اولین بار در پرونده الکوآ در سال ۱۹۴۵ مطرح گردید که بموجب آن برای احراز صلاحیت دادگاه‌های امریکا نسبت به اعمال انجام شده بوسیله شرکت‌های خارجی کافی است که دو شرط ذیل محقق می‌شود: ۱- قصد ایجاد اثر بر صادرات یا واردات امریکا.

ضرورت حفظ حقوق حاکمیت دولتهای دیگر تا حد امکان مستلزم این است که صلاحیت یک کشور تاحدی توسعه داده شود که به این حقوق تا کمترین حد ممکن لطمه وارد آید (Mokhtari Hashi, 2015). سؤالی که مطرح می‌گردد این است که آیا براساسی اعمال قانونی شرکت‌های خارجی دارای آثار و نتایجی در امریکا می‌باشد. باتوجه به این که اثر اصلی قانون داماتو یعنی تروریسم هدفی قابل انتساب به شرکت‌های چند ملیتی که در جستجوی سود هستند؛ نمی‌باشد، به سختی می‌توان از این عقیده دفاع کرد که سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی ایران و لیبی دارای آثار مهم، مستقیم و قابل پیش‌بینی در داخل خاک امریکا باشد (Mafi, 2006) از طرف دیگر هنگامی که منافع امریکا با منافع کشورهای دیگر سنجیده می‌شود، هیچ توجیه منطقی برای ادعای صلاحیت برون‌مرزی امریکا وجود ندارد (Garshasbi and Yousefi Dindarloo, 2016). تمایل رویه قضایی امریکا امریکا به تعدیل معیار پذیرفته شده در پرونده الکوآ و تحدید صلاحیت برون‌مرزی امریکا با در نظر گرفتن منافع کشورهای دیگر در پرونده مشهور تیمبرلین<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۶ مطرح گردید. محکمه استیناف امریکا در این پرونده معیار دیگری را مورد قبول قرار داد که همان توازن و تعادل منافع امریکا در مقابل کشورهای دیگر بود (Baut, 22-20) با این وجود دیوان عالی کشور امریکا در پرونده هارتفورد فایر<sup>۲</sup> سال ۱۹۹۳ معیار محدودتری را مورد پذیرش قرار داد که به موجب آن قانون برون‌مرزی هنگامی نامعقول محسوب می‌گردد که آن قانون در تضاد با قوانین کشورهای دیگر باشد.

با این رأی تمایل رویه قضایی امریکا به در نظر گرفتن منافع کشورهای دیگر و توسعه نزاکت بین‌المللی به زیر سؤال رفته است؛ زیرا دیگر صرف تجاوز به منافع کشورهای دیگر در بی‌اعتباری صلاحیت دادگاه‌های امریکا در اعمال قانون برون‌مرزی کافی نمی‌باشد (Faizi, 2014). نتیجتاً تصمیمات قضایی امریکا با توسعه و تعمیم اصل سرزمینی، تفسیری موسع از ارتباط ملی<sup>۳</sup> بعمل می‌آورند که امریکا را در تحمیل تعهدات بر شرکت‌های خارجی مغایر با حقوق بین‌الملل مجاز می‌کند (Alizadeh, 2017) از نقطه نظر امریکا در حالیکه حقوق بین‌الملل بطور غیرقابل تردیدی بخشی از حقوق آن کشور است، ولی باید تسلیم خواست کنگره امریکا باشد و در صورت تعارض تسلیم قانون فدرال شود (Oloumi, 2008). نظریه این واقعیت که فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی دارای آثاری در سراسر

<sup>1</sup>. TIMBERLANE

<sup>2</sup>. HARTFORD FIRE

<sup>3</sup>. NATIONAL LINK

جهان می‌باشند، اعمال صلاحیت برون‌مرزی در چنین شرایطی موجه و معقول نیست و نباید مجاز شمرده شود (Alavi, 2016).

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

به طور کلی، شورای امنیت سازمان ملل تحت فصل هفتم منشور ملل متحد این اختیار را دارد تا به منظور اجرای تصمیمات خود جهت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله تحریم‌هایی را علیه کشورها اعمال نماید. از سوی دیگر، برخی کشورها یا گروهی از کشورها نیز به دلایل مختلف، از ابزار تحریم به طور یک‌جانبه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. هر چند تحریم‌های شورای امنیت به عنوان تحریم‌های یک‌جانبه تلقی نمی‌شوند، اما بر طبق منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل تابع محدودیت می‌باشند. در مورد غیرقانونی تحریم‌های یک‌جانبه نیز مبنای مختلفی در حقوق بین‌الملل وجود دارد. در این قسمت، مبنای تحریم‌های مزبور به موجب حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. پنج عضو دائم شورای امنیت پس از جنگ سرد، هماهنگی بهتری برای استفاده از رژیم‌های تحریم و پاسخگوئی به برخی کشمکش‌ها پیدا کردند. دهه ۱۹۹۰ را می‌توان «دهه تحریم‌ها» نامید. تعداد تحریم‌های الزامی شورای امنیت از ۲ تحریم در زمان جنگ سرد، یکباره به ۱۴ تحریم در دهه ۱۹۹۰ رسید. نتیجه بررسی ۱۹۰۰ قطعنامه شورای امنیت از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ درخصوص رژیم‌های تحریمی‌شورا به این شرح می‌باشد: ۱۴ مورد اعمال تحریم علیه درگیری‌های بین کشورها، ۴ مورد اعمال تحریم علیه درگیری‌های داخلی کشورها، ۵ مورد اعمال تحریم علیه هنجارشکنان بین‌المللی، ۴ مورد اعمال تحریم علیه تروریسم بین‌المللی. بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد منطقه آفریقا با ۱۹ رژیم تحریم، بیشترین دریافت‌کننده رژیم‌های تحریم از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ بوده است. آسیا با شش، خاورمیانه با پنج، اروپا با چهار و آمریکا با یک رژیم تحریمی در رده‌های بعدی قرار دارند. تمرکز شورای امنیت بر یک قاره و عدم توجه به سایر وضعیت‌ها در حالی که جهان از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برد، حاکی از این است که تصمیمات الزامی شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد بیشتر نتیجه ملاحظات سیاسی هستند تا دلایل حقوقی و واکنش‌های شورای امنیت نه اتوماتیک است و نه بی‌طرفانه.

برخی بر این باورند که هیچ قاعده حقوقی، شورای امنیت را در رابطه با مسئولیتش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی محدود نمی‌کند. در توجیه این رویکرد، استدلال می‌شود که به منظور تضمین تداوم وجود بشریت، ضروری است تا اختیارات نامحدودی به یک نهاد برای مواجهه با هرگونه تهدید متصور علیه صلح و امنیت بین‌المللی واگذار شود. از این منظر، رفع محدودیت‌های قانونی علیه چنین نهادی، در صورت مواجهه جامعه بین‌المللی با بازیگرانی که تمام قواعد حقوقی را نادیده گرفته و به طور جدی صلح و امنیت بین‌المللی و موجودیت بشر را تهدید می‌نمایند، آن را در وضعیت ضعیفی قرار می‌دهد. باید توجه داشت حتی در صورتی که نیاز به ایجاد یک اقتدار ضروری برای تضمین و تأمین صلح و امنیت باشد، چنین اقتداری باید در نهایت آنانی را

نماینده‌گی کند که قرار است به نفع آنان اقدام نماید و از این رو، باید مشروعیت داشته باشد. نهادی که دیگران را نمایندگی می‌کند، مشروعیت خود را نیز از آنان دریافت می‌کند.

از آنجا که تصمیمات شورا به تشخیص آن وانهاده شده‌اند، این تصمیمات ماهیتی سیاسی دارند. به زعم «کلسن»، شورای امنیت برای حفظ صلح ایجاد شده است، نه اجرای قانون؛ اما سؤال اساسی این است که آیا این ارگان سیاسی از هر قید و بند حقوقی رها و آزاد است؟ در جریان تصویب قطعنامه ۱۴۸۳ (۲۰۰۳) شورای امنیت که موقعیت قدرت‌های اشغالگر را در عراق مورد تایید قرار داد، رئیس شورای امنیت تاکید نمود که: «اختیارات شورا نامحدود و بدون قید و شرط نیست، آن اختیارات باید به گونه‌ای اعمال گردند که با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل (ماده یک منشور) هماهنگ باشند و به ویژه با کنوانسیون‌های ژنو و مقررات لاهه و نیز خود منشور ملل متحد منطبق باشند».

در قضیه لیبی علیه امریکا نیز قاضی شهاب‌الدین و قاضی ویرامتری سوالاتی را از جمله به این شرح مطرح کردند: آیا هیچ محدودیتی بر اختیارات شورای امنیت وجود دارد؟ این محدودیت‌ها چه هستند و چه نهادی جز شورای امنیت صلاحیت دارد که این محدودیت‌ها را تعیین و اعلام نماید؟ آیا شورای امنیت وظایف خود را بدون محدودیت انجام می‌دهد؟ جمع‌بندی اکثریت نظرات منتشره قضات، موافق با این دیدگاه بود که محدودیت‌هایی وجود دارند که تفسیر آن‌ها نیز منحصرأ با شورای امنیت نیست. قانونی بودن اقدامات هر رکن سازمان ملل، باید با مراجعه به منشور به عنوان قانون اساسی جامعه بین‌المللی مورد قضاوت قرار گیرد. قاضی بجاری حتی از این فراتر رفت و استدلال کرد که تمامی ارکان اصلی ملل متحد باید نه تنها به منشور، بلکه به حقوق بین‌الملل احترام بگذارند.

در واقع، مشروعیت تحریم‌های شورای امنیت به طور فزاینده زیر سؤال قرار گرفته است. شورا در اعمال تحریم‌ها با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد که بیشتر ناشی از مفاد منشور ملل متحد می‌باشند. بند ۲ ماده ۲۴ منشور اختیارات گسترده شورا در اتخاذ اقدامات اجرایی را محدود می‌کند. این بند مقرر می‌دارد که «شورای امنیت در اجرای وظائف خود باید مطابق با اهداف و اصول ملل متحد اقدام نماید». فصل یک منشور به مقاصد و اهداف سازمان ملل می‌پردازد. اولین هدف، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. برخی صاحب نظران معتقدند این هدف از سایر اهداف مقدم‌تر است، در حالی که برخی دیگر نیز بر این باورند که اهداف ملل متحد دارای ارزش و اولویت برابری هستند. از این منظر، هدف سوم ملل متحد تحت ماده ۱ فصل یک منشور به طور برابر برای سازمان ملل از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد: دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل و فصل مشکلات بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر. در این رویکرد، اعمال هرگونه تحریم اقتصادی که منجر به ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر نشود، مغایر منشور ملل متحد محسوب می‌شود.

شورای امنیت توسط ماده ۲۵ منشور نیز محدود شده است که مقرر می‌دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت مطابق با منشور را پذیرفته و اجراء نمایند». مفاد مختلف منشور که متضمن استانداردهای بالای زندگی و رعایت حقوق بشر هستند، نسبت به اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط شورای امنیت محدودیت ایجاد می‌کنند. ماده ۵۵ منشور مقرر می‌دارد که سازمان ملل باید استانداردهای بالای زندگی، اشتغال کامل و شرایط توسعه اقتصادی و اجتماعی را ارتقاء دهد و به حقوق بشر احترام بگذارد. اعضای سازمان ملل باید بررسی کنند که آیا اقدامات آنان این الزامات را حتی اگر تحریم‌های الزامی وضع می‌کنند، برآورده می‌کند یا نه؟ شورای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) در اظهارنظر عمومی خود در ۱۹۹۷ در خصوص رابطه تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تاکید کرد که مفاد مختلف منشور درخصوص حقوق بشر باید به هنگام اعمال تحریم‌های اقتصادی تحت فصل هفتم منشور کاملاً در نظر گرفته شده و اعمال شوند.

اقداماتی که در چارچوب صلح و امنیت توسط شورای امنیت اتخاذ می‌شوند، باید با هدف تحریم‌ها متناسب بوده و از حقوق بشر جمعیت در کشور هدف، حفاظت و حمایت نمایند. سوالی که در این چارچوب مطرح می‌شود، این است که آیا شورای امنیت اجازه دارد تا به هنگام اجرای اختیارات خود تحت ماده ۴۱ منشور ملل متحد، حقوق بشر را محدود نماید؟

در پاسخ باید گفت بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل حقوق بشر غیرقابل مصالحه نیز می‌باشد که باید توسط کشورها حتی در مواقع اضطراری رعایت شوند مانند حق حیات، منع شکنجه و برده‌داری. این حقوق اکنون به عنوان هنجارهای «قواعد آمره» محسوب می‌شوند و شورای امنیت حتی اگر برخی از اعضای آن میثاق مزبور را تصویب نکرده باشند، نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد. حق حیات برابر ماده ۶ این میثاق، حق برتر است و اساس تمامی حقوق بشر محسوب می‌شود. کمیته حقوق بشر در «اظهار عمومی ۶» خود تصریح نمود «حق ذاتی حیات» نباید به طور محدود نگریسته شود. در این راستا، کشورها باید تمامی اقدامات مثبت را برای کاهش مرگ و میر نوزادان به هنگام تولد و افزایش «انتظار زندگی» اتخاذ نمایند. این تعهد توسط کنوانسیون حقوق کودک که حق حیات را برای هر کودکی به رسمیت می‌شناسد نیز تقویت شد.

اعضای سازمان ملل و شورای امنیت از انجام اقدامات در محروم کردن دسترسی اشخاص به غذا نیز منع شده‌اند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاکید کرده است که حق غذا برای تحقق دیگر حقوق بشر مندرج در لایحه بین‌المللی حقوق بشر، ضروری است. با این که تقریباً تمامی قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت تحت ماده ۴۱ منشور معافیت‌هایی را در زمینه غذایی، دارویی و کمک‌های بشردوستانه داشته‌اند، اما باید خاطر نشان کرد که اجرای برخی قطعنامه‌های شورا موجب انکار دسترسی غیرنظامیان به نیازهای اولیه و ضروری خود شده و سبب رنج و درد آنان گردیده است. این موضوع به ویژه بحث نقض حقوق بین‌الملل توسط قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را مطرح کرده است. نمونه بارز این وضعیت، عراق می‌باشد. در واکنش به درد و رنج غیرنظامیان

عراقی در اثر تحریم‌های شورای امنیت، قطعنامه ۹۸۶ مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ با موضوع نفت در برابر غذا به تصویب شورای امنیت رسید. تحریم‌های شورای امنیت از منظر حاکمیت قانون نیز با نقاط ضعف متعددی مواجه هستند: مشکل شفافیت: مشورت‌های اصلی که منجر به تصمیمات مربوط به تحریم‌ها می‌شود، عموماً در پشت درب‌های بسته در شورای امنیت اتخاذ می‌شوند و تصمیمات شورا نیز به ندرت تصویری شفاف در توجیه اهداف و علل تحریم‌ها ارائه می‌کنند.

### **Persian resources**

- Adibi, Akbar and Homayoun Habibi (2017), The Principle of Proportionality in Adopting Economic Sanctions, *International Legal Quarterly*, No. 56
- Islami, Mohsen and Farzaneh Naqdi (2016), US Sanctions and Foreign Policy Towards Iran, *Foreign Relations Quarterly*, No. 32
- Eghbali, Meysam and Bitā Ghanbari (2015), The Effects of Economic Sanctions on International Banking Affairs, *Quarterly Journal of New Research in the Humanities*, Second Year - Issue 1
- Izanloo, Mohsen and Ali Hatefi (2014), Legal Analysis of Approaches and Strategies for Ineffectiveness of Economic Sanctions in International Commercial Contracts, *Quarterly Journal of Public Law Thoughts*, No. 6
- Berkshire, Fereydoun (1996), International Sanctions on the United States and Third World Countries, *Strategy Quarterly*, No. 12
- Behrozi Far, Morteza and Samieh Kokabi (2006), Sanctions of the United States - Union: Tested Test, *Quarterly Journal of Political-Economic Information*, No. 231 and 232
- Bayat, Mohsen (2012), History of Sanctions in Iran; Transformation in Vulnerability and the Nature of Sanctions, *Foreign Policy Quarterly*, Year 26, No. 4
- Jalali, Reza and Amir Akbari (2014), History of the Origin of Sanctions The Historical Developments of Interactive and Mutual Relations between Iran and the United States, *Quarterly Journal of History Research*, No. 35
- Haddadi, Mehdi (2003), International Sanctions, National Policy Tools or International Executive Guarantee, *Private Law Quarterly*, No. 3
- Heydari, Fariba (2017), The Impact of Economic Sanctions on Women's Rights, *Quarterly Journal of Human Rights Research*, No. 8
- Rouhani, Seyed Ali and Ehsan Namazi (2017), Western Sanctions Against Russia, *Foreign Relations Quarterly*, No. 33
- Zamani, Seyed Ghasem and Kazem Gharibabadi (2015), Analysis of the Legality and Legitimacy of Unilateral Economic Sanctions under International Law, *Quarterly Journal of Judicial Rights Perspectives*, No. 72
- Zahrani, Mostafa (2008), Theoretical Foundations of Economic Sanctions against the Islamic Republic of Iran: Obstacles and Challenges of Iran's Oil, *Quarterly Journal of Energy Economics Studies*, No. 2
- Sajjadpour, Seyed Kazem and Farhad Vakili (2015), International Sanctions Regime: Foundations, Decision-Making Processes, Executive Institutions and Performance Measurement, *Foreign Relations Quarterly*, No. 25
- Seif, Allah Morad and Asghar Eftekhari, Morteza Ezzati and Mohammad Taghi Ramezani (2013), The Conceptualism of Soft Economic Power Economic Development of Conventional Soft Power Theory in Economics, *Basij Strategic Studies Quarterly*, No. 582686/5000
- Shafiee, Mahmoud and Bahar Akhavan (2019), US Sanctions Against the Islamic Republic of Iran from the Perspective of International Law, *Quarterly Journal of Human Rights Research*, No. 15
- Shokouhyar, Sajjad and Ali Ahmadi (2016), Strategy for Combating Sanctions in the Implementation of South Pars Projects; (Case study: Unit 106, Phase 19 of South Pars), *Strategy Quarterly*, No. 78

- Sadrpour, Seyed Amir Hossein and Mohammad Hossein Jamshidi and Mohsen Eslami (2016), A Study of the New Mechanism of Public Diplomacy Based on Joseph Nye's Soft Power Theory, *Soft Power Studies Quarterly*, Year 6 - Issue 14
- Sedghi, Vahid and Cheraghi, Mostafa (2012), Sanctions of the United States and the United States against Iran and Anti-Sanctions Elements, *Quarterly Journal of Regional Studies*, No. 47
- Samadzadeh, Ali (2012), Economic Sanctions; Smart Threat, No. 114
- Ziaei, Seyed Yaser and Alireza Mohammadi Motlagh (2014), Sanctions on Natural Persons from the Perspective of International Law, with Emphasis on the Sanctions of Some Iranian Citizens, *Legal Quarterly Journal of Justice*, No. 88
- Ziaee, Seyed Yaser (2015), Writing on Sanctions; Sanctions against Iran from theory to practice, *Quarterly Journal of Critique of Jurisprudence and Law*, No. 2
- Abdollahi, Ishrat (2006), Consequences of Iran's Economic Sanctions, *Bank and Economy Quarterly*, No. 73
- Aziznejad, Samad and Mohammad Reza Seyed Norani (2009), A Study of the Effects of Sanctions on the Iranian Economy with Emphasis on Foreign Trade, *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, No. 61
- Aziznejad, Samad and Mohammad Reza Seyed Norani (2009), A Study of the Effects of Sanctions on Iran's Economy with Emphasis on Foreign Trade, *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, No. 61
- Asgarian, Abbas and Farhad Vakili (2014), Multilateral Sanctions on Sanctions: An Analysis of the Mechanism of Sanctions Against Russia, *Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, No. 86
- Olumi, Ebrahim (2005), The place of sanctions in US foreign policy, *Quarterly Journal of Regional Studies*, No. 25 and 26
- Oloumi, Ebrahim (2008), Iranian Hostage Crisis and Sanctions, *Strategy Quarterly*, No. 47
- Alavi, Seyed Yahya (2014), An Analysis of the Structure of US Banking Sanctions and the Requirements for Resolving It in Comprehensive Nuclear Negotiations, *Afaq Security Quarterly*, No. 25
- Alavi, Seyed Yahya (2016), Typology of US unilateral sanctions against Iran during the Obama presidency, *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, No. 45
- Alizadeh, Hamidreza (2017), Economic Sanctions from the Perspective of International Law, *Quarterly Journal of Nations Research*, Volume 3 - Number 26
- Faizi, Fazel (2014), A Study of the Nature and Objectives of UN Sanctions, *Quarterly Journal of Political Studies*, No. 25
- Garshasbi, Alireza and Mojtaba Yousefi Dindarloo (2016), A Study of the Effects of International Sanctions on Iran's Macroeconomic Variables, *Quarterly Journal of Economic Modeling Research*, No. 25.
- Mafi, Homayoun (2006), A Reflection on US Economic Sanctions against Iran from the Perspective of International Law, *Quarterly Journal of Journal of Law and Political Science*, No. 1.
- Mokhtari Hashi, Hossein (2015), The Impact of International Sanctions on National Power Factors; Emphasizing UN Security Council Sanctions Against the Islamic Republic of Iran, *Geopolitical Quarterly*, No. 38
- Mosalla Nejad, Abbas (2015), The Impact of Sanctions Policy on Iran's Nuclear Negotiations, *Geopolitical Quarterly*, No. 39
- Manzoor, Davood and Manouchehr Mostafa Pour (2013), Re-reading Unfair Sanctions: Characteristics, Objectives and Actions, *Quarterly Journal of Financial and Economic Policies*, First Year - Issue 2
- Mahdiloo, Ali and Asghar Abolhassani and Mohsen Rezaei (2019), Ranking of Economic Sanctions and Estimation of Sanctions Risk Index Using Fuzzy Hierarchical Analysis Method, *Quarterly Journal of Applied Economic Theories*, Year 6 - No. 2



- Mousavi Shafaei, Massoud and Farzaneh Naqdi (2015), Iran's International Political Economy in the Post-Sanction Period, *Quarterly Journal of Foreign Relations*, No. 28
- Mohabati, Yasser (2018), A Study of Economic Sanctions and Its Impact on Abzan Economics, *Quarterly Journal of Management and Accounting Studies*, Special Issue, 4th International Conference on Management.
- Yavari, Kazem and Reza Mohseni (2009), The Effects of Trade and Financial Sanctions on the Iranian Economy: Historical Analysis, *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, No. 61
- Yazdanfam, Mahmoud (2018), US Sanctions: Influence and Outlook, *National Security Watch Quarterly*, No. 80.
- Sedaghat, Seyed Makan, Sharifi Tarazkoohi, Hossein, Shams, Ahmad, Mansouri, Saeed (1399), Requirements for Development Right to Foreign Investment: A Case Study of Oil Contracts of the Islamic Republic of Iran, *Scientific and Research Quarterly New Attitudes in Human Geography*, 12 (2), 35-48.
- Mir Abbasi, Seyed Baqer, Sighlani, Zeinab (2019), Decomposability and New Forms of the newly established country from the perspective of geographical-political units in the field of international legal system. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 12 (1), 477-493.
- Ashuri, Gholamreza, Mortezaei, Sheida (2018), Investigation and analysis of the security structure of the Persian Gulf and the Strait of Hormuz in line with the security model of deterrence with emphasis on the regional and international strategic role. *Scientific and Research Quarterly New Attitudes in Human Geography*, 10 (2), 191-214.
- Eghbali, Nasser, Ashouri, Gholamreza, Najafi, Abbas, Ali Farja, Sajjad (2016), The role of Iran and the United States in the security of the Persian Gulf with emphasis on the post-Islamic era and Iran's trans-regional strategy. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 9 (1), 243-268.
- Bruno, S (2016), *the Charter of the United Nations, a Commentary*, Oxford University Press.
- Buchheit, L.C (1976), *The Use of Non-Violent Coercion: A Study in Legality under Article 2(4) of the Charter of the United Nations*", In Lillich, R.B., (ed)., "Economic Coercion and the New International Economic Order", Charlottesville, the Michie Company.
- Bussuyt, Marc (2012), "The Adverse Consequences of Economic Sanctions on Enjoyment of Human Rights". (Working Paper). Commission of Human Rights. Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights. 52 session. Item 12 of the Provisional agenda.
- Commission of Human Rights Res 51/55, 16 January (1995), "Questions of the Violation of Human Rights and Fundamental Freedoms in any Part of the World", Fifty-first session, E/CN.4/1995/55.
- Cot, J. P. and A. Pierre (2005), "La Charte des Nations Unies: Commentaire Article Par Article", 3ème éd. Paris, Economica.

**Internet resources**

<https://www.gao.gov/assets/710/701891.pdf>

<https://www.debevoise.com>